

واکاوی انگاره شرطیت عدالت و اسلام راوی در حدیث متواتر

علی اصغر یارسامقدم^۱ و مهدی غلامعلی^۲

چکیده

اکثر دانش‌های اسلامی بر حدیث استوار است و شناخت حدیث معتبر، یکی از پراهمیت‌ترین اهداف دانش‌های حدیثی است. حدیث متواتر برترین نوع حدیث معتبر بوده و عموم دانشیان مسلمان به حجیت مطلق و علم‌آوری قطعی آن اذعان کرده و برای آن شروط گوناگونی را مطرح نموده‌اند. این مقاله با روش توصیفی – تحلیلی و کتابخانه‌ای در پاسخ به این پرسش نگاشته شده است که آیا واکاوی اوصاف راویان به خصوص احراز اسلام و عدالت راوی، جزو شروط احادیث متواتر است یا خیر؟ بر پایه پذیرش این شرط، دستیابی به حدیث متواتر در تمامی عرصه‌های دین ناممکن یا بسیار بغرنج خواهد بود. و حدیث متواتر یا مصداقی نخواهد داشت یا اینکه مصداق آن نادر خواهد بود. اما نتایج نشان از آن دارد که ادله قائلین به این شرط ناکافی است. مخالفین واکاوی اوصاف، بر این باورند که اخبار گروهی از افراد بدون همدستی بر کذب، علم‌آور بوده و علم‌آوری تواتر در میان مسلمانان و غیر آنان همسان است. همچنین موشکافی اوصاف راویان تحصیل حاصل بوده، زیرا که بررسی اوصاف راویان تنها افاده ظن می‌کند. اما علم حاصل از شکل‌گیری شروط تواتر، یقینی است. از طرفی همان‌گونه که قاعده تعدد طرق حدیث موجب نادیده انگاشتن ضعف راویان می‌شود. بی‌گمان کثرت ناقلین همراه با ناهمدستی بر کذب بر عدم واکاوی احوال آنان دلالت دارد. اما تمسک جستن شماری برای اشتراط واکاوی اوصاف راویان به ادعای تواتر قتل حضرت عیسی علیه السلام و همسانی تواتر و اجماع؛ چندان پذیرفتنی نیست. زیرا خبر قتل حضرت عیسی علیه السلام از اساس متواتر نبوده و میان تواتر و اجماع همسانی وجود ندارد.

واژگان کلیدی: حدیث متواتر، متواتر لفظی، شرایط راوی حدیث متواتر.

۱۰۷



سال پانزدهم / شماره ۲۸ / بهار و تابستان ۱۴۰۳

۱. مدیرگروه روش‌شناسی پژوهشکده امامت (بنیاد بین‌المللی امامت) - استاد سطح سه رشته امامت - دانش‌پژوه سطح چهار امام‌شناسی حوزه علمیه؛ «نویسنده مسئول»، (aliasghar.parsamoghaddam@gmail.com).

۲. عضو هیئت علمی و مدیر گروه علوم حدیث دانشکده علوم و معارف حدیث دانشگاه قرآن و حدیث قم؛ (mahdigh53@gmail.com).

مقدمه

اکثر دانش‌های اسلامی بر حدیث استوار بوده و شناخت حدیث معتبر، یکی از پراهمیت‌ترین اهداف دانش‌های حدیثی برشمرده می‌شود. زیرا اگر حدیثی معتبر نباشد، دانش دینی برگرفته از آن معتبر و سودمند نخواهد بود. به دیگر سخن پس از قرآن دومین و اساسی‌ترین منبع فهم دین، سنت است. معارف گرانسنگی چون هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، خداشناسی، راهنماشناسی و فرجام‌شناسی که در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها نقش بسزایی دارند، در سنت گرد آمده است. سنت نبوی در قرآن کریم به‌عنوان بهترین الگوی عملی برای مؤمنان معرفی شده^۱ و پیروی از ایشان را همسان اطاعت از خویش^۲ و نافرمانی از او را مایه گمراهی از مسیر هدایت دانسته است.^۳ بر همین اساس مسلمانان با انتقال شفاهی یا نگارش حدیث به دنبال حفظ این میراث بوده‌اند. به تدریج با نگارش احادیث بحث از سند آشکار شد. سند یعنی چیزی که بدان اعتماد و اطمینان شده و در اصطلاح حدیث به معنای زنجیره‌ی راویان حدیث که به متن حدیث منتهی شود.^۴ حال اگر سندهای یک حدیث محصور نباشد آن را حدیث متواتر و اگر محصور باشد احادیث آحاد نامیده‌اند. به بیان دیگر اخبار بر اساس تعدد طرق (سند) آن‌ها به متواتر و آحاد تقسیم‌بندی نموده‌اند.^۵ اما شهیدثانی در تقسیم‌بندی خبر به صدق و کذب در ذیل عنوان اخباری که صدق آن قطعی است. متواتر لفظی را نام برده‌اند.^۶

با گسترش بحث تواتر در میان متکلمان و نیازمندی علمای اصول و فقه به تقویت دلیل، فصل جدیدی در بکارگیری تواتر در مسائل اصول و فقهی آغاز گردید. شماری همچون حازمی^۷ و از متاخران سیوطی^۸ معتقدند که اصطلاح تواتر از عرصه فقه و اصول به علم حدیث سرایت کرده است. اصطلاح متواتر به عنوان قسمی آنچه صلاحیت در صدق و کذب دارد، نخستین بار از سوی خطیب بغدادی در زمره یکی از مصطلحات علم حدیث برشمرده شد و تعریفی همسو با تعاریف متکلمان

۱. احزاب: ۲۱.

۲. نساء: ۸۰.

۳. احزاب: ۳۶.

۴. الرعاية في علم الدراية، ص ۵؛ نزهة النظر في توضيح نخبة الفكر في مصطلح أهل الأثر، ص ۱۵۷.

۵. قواعد الأصول ومعاهد الفصول، ص ۷۳.

۶. الرعاية في علم الدراية، ص ۵۹.

۷. لولوی، قرة عين المحتاج في شرح مقدمة صحيح مسلم بن الحجاج، ج ۱، ص ۱۷۷.

۸. تدريب الراوي في شرح تقريب التواوي، ج ۲، ص ۶۲۱.

و فقیهان ارائه گردید.^۱

در اندیشه دانشوران، خبر متواتر سبب ایجاد علم و یقین نسبت به محتوای خبر می‌شود. بر همین اساس چنین خبری در میان مسلمانان دارای جایگاه بلندی است؛ زیرا اعتقاد و عمل برآمده از حدیث متواتر یقینی بوده و در فرآیند استنباط و استدلال‌های کلامی، فقهی، تاریخی و... حجیت استوارتری دارد. در مقابل گروهی معتقد بودند که احادیث آحاد تنها علم ظنی به ثمر می‌آورد. چنین جایگاهی سبب شد که اندیشوران در موضوعات مختلف حدیثی به اثبات تواتر احادیث گوناگون پرداخته و یا کتابی مستقل در جمع‌آوری احادیث متواتر نگاشته^۲ و در عقاید و احکام بدان استناد جویند. باید پذیرفت که برای حدیث متواتر شروط گوناگونی بازگو شده، اما چهار شرط اساسی مورد پذیرش بیشترین دانشوران قرار گرفته است که عبارتند از: کثرت ناقلین، فراوانی آن‌ها در تمامی طبقات، عدم همدستی بر دروغ و حسی بودن.^۳ واکاوی احوال ناقلین حدیث از جمله موارد اختلافی اسباب شکل‌پذیری حدیث متواتر به شمار می‌آید. بر پایه پذیرش این شرط، فرآیند کشف حدیث متواتر بسیار بغرنج‌تر شده و یا اینکه دستیابی به حدیث متواتر در تمامی عرصه‌های دین ناممکن خواهد بود. به دیگر سخن، حدیث متواتر یا مصداقی نخواهد داشت یا اینکه مصادیق آن نادر است.

این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی و کتابخانه‌ای در پاسخ به این پرسش نگاشته شده است که آیا واکاوی اوصاف راویان به خصوص احراز اسلام و عدالت راوی جزو شروط احادیث متواتر به شمار می‌آید یا خیر؟ نتایج نشان از آن دارد که توده‌های دانشوران معتقدند که واکاوی راویان جزو شروط شکل‌گیری حدیث متواتر نیست. از طرفی دلایل موافقان واکاوی احوال راویان پذیرفتنی نبوده، زیرا با احراز شروط تواتر علم یقینی حاصل شده و واکاوی احوال راویان تحصیل حاصل است.

مفهوم‌شناسی

متواتر اسم فاعل از تواتر از ریشه «وت ر» به معنای مداومت بر چیزی^۴ و در پی هم آمدن و پیایی شدن^۵ و درجایی به کار می‌رود که افراد یک چیز یکی پس از دیگری^۶، به طور فردی^۷ با اندکی

۱. خطیب بغدادی، الکفایة فی علم الروایة، ص ۱۶.

۲. تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، ج ۲، ص ۶۲۹.

۳. نزہة النظر فی توضیح نخبة الفکر فی مصطلح أهل الأثر، ص ۱۶۳.

۴. غریب الحدیث، ج ۴، ص ۲۵.

۵. العین، ج ۸، ص ۱۳۳.

۶. الصحاح، ج ۲، ص ۸۴۳.

۷. مفردات ألفاظ القرآن، ص ۸۵۳.

فاصله زمانی پدید می‌آیند.^۱ «تواتر الابل» یعنی شماری از آنها جا پای برخی دیگر بگذارند همین طور است در اخبار و کتاب‌ها^۲ یعنی خبر دادن واحد عن واحد.^۳ مناوی علت نامگذاری احادیث به متواتر را تدریجی بودن با تعاقب و توالی می‌داند هر چند که علم به صدق مضمون آن به صورت دفعی در شخص ایجاد می‌شود.^۴

از جمله تعاریفی که برای حدیث متواتر ارائه شده، عبارت است از: «هو ما بلغت رُواته في الكثرة مبلغا أحوال العادة تواطؤهم»^۵ خبری که آن را افراد بسیاری نقل کنند به گونه‌ای که همدستی آن‌ها بر دروغ‌سازی عادتاً ممکن نباشد. شماری از دانشوران قیده‌های دیگری بر تعریف افزوده‌اند که عبارتند از: به تنهایی و بدون قرینه مفید علم باشد «مفید بنفسه العلم»^۶. امر آن‌ها محسوس بوده «عن أمر محسوس»^۷ و کثرت ناقلین در اول، وسط و آخر سند یکسان باشد «وَأَنْ يَسْتَوِيَ طرفاه و وسطه»^۸

انواع حدیث متواتر

حدیث متواتر در یک تقسیم بندی کلی به متواتر قولی^۹، فعلی^{۱۰} و سکوتی^{۱۱} تقسیم بندی می‌شود. متواتر قولی به دو بخش متواتر لفظی و معنوی و متواتر لفظی به متواتر در قرآن، حدیث و اجماع تقسیم بندی شده است.^{۱۲} متواتر لفظی خبری است که راویان در همه طبقات، به عدد و شروط تواتر، آن را به یک لفظ نقل کنند.^{۱۳} متواتر معنوی نیز عبارت است از خبری که راویان، مضمون واحدی را با عبارات مختلف نقل کنند.^{۱۴}

۱. معجم مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۸۴.
۲. شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم، ج ۱۱، ص ۷۰۵۹.
۳. تهذیب اللغة، ج ۱۴، ص ۲۲۴.
۴. الیواقیت والدرر فی شرح نخبة ابن حجر، ج ۱، ص ۲۵۲.
۵. الرعاية في علم الدراية، ص ۶۲.
۶. الردود والنقود شرح مختصر ابن الحاجب، ج ۱، ص ۶۱۸.
۷. شرح مختصر الروضة، ج ۲، ص ۷۴.
۸. المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، ج ۱، ص ۱۳۱؛ شرح تنقيح الفصول، ج ۱، ص ۱۱۸.
۹. نهاية السؤل شرح منهاج الوصول، ص ۲۱۳.
۱۰. الوجيز في أصول الفقه الإسلامي، ج ۱، ص ۲۰۶.
۱۱. مزيل الغواشي شرح اردو اصول الشاشي، ص ۲۹۵.
۱۲. مرداوی، التحبير شرح التحرير في أصول الفقه، ج ۴، ص ۱۷۵۴.
۱۳. اللمع في أصول الفقه، ص ۷۱؛ تدريب الراوي في شرح تقريب النواوي، ج ۲، ص ۶۳۱.
۱۴. اللمع في أصول الفقه، ص ۷۱؛ قواطع الأدلة في الأصول، ج ۱، ص ۳۳۰.

شروط حدیث متواتر

برای حدیث متواتر از سوی دانشواران سنی شروط مختلفی ذکر شده است. این شروط متعلق به شنوندگان، خبردهندگان، مخبر عنه و مخبر به یا خبر است.

۱. شروط مختص به شنوندگان: آنان می بایست نسبت به پذیرش خبر شایستگی داشته باشد.^۱ و به آنچه خبر می دهند نباید علم داشته باشد^۲ وگرنه تحصیل حاصل می شود.^۳
۲. شروط مختص به خبردهندگان: مخبرین در تمامی طبقات^۴ شمار بسیاری باشند تا جایی که همیاری بر کذب نداشته باشند.^۵ و از آنچه خبر می دهند مستند به حس باشد.^۶ مثل سماع و مشاهده^۷ یا اخبار متواتره ای که بدانها رسیده است.^۸ آنها باید آگاه و عالم به آنچه که خبر می دهند باشند نه اینکه بدان ظن داشته باشند.^۹

۳. شروط مختص به مخبر عنه (موضوعی که از آن خبر داده می شود): ممکن الوقوع^{۱۰} و محسوس باشد.^{۱۱} شرط اخیر برای خارج کردن آنچه را که با عقل ثابت می شود^{۱۲} مانند حدوث عالم^{۱۳} وجود سه خدا و شریک داشتن خدا^{۱۴} است.

۴. شروط مختص به مخبر به (عبارت خبردهنده از موضوع): خبر آنها ظنی نباشد^{۱۵} مانند اینکه اهل بغداد خبر بدهند از پرنده ای که گمان می کنند کبوتر است یا از شخصی که گمان می کنند زید

۱. الإحكام في أصول الأحكام، ج ۲، ص ۲۵.

۲. أرموى، التحصيل من المحصول، ج ۲، ص ۱۰۳.

۳. الرعاية في علم الدراية، ص ۶۴؛ الإحكام في أصول الأحكام، ج ۲، ص ۲۵.

۴. الرعاية في علم الدراية، ص ۶۲؛ قواطع الأدلة في الأصول، ج ۱، ص ۳۲۵؛ بذل النظر في الأصول، ص ۳۸۷.

۵. الإحكام في أصول الأحكام، ج ۲، ص ۲۵.

۶. روضة الناظر وجنة المناظر في أصول الفقه، ج ۱، ص ۲۹۶.

۷. قواطع الأدلة في الأصول، ج ۱، ص ۳۲۵.

۸. ميزان الأصول في نتائج العقول، ج ۱، ص ۴۲۴.

۹. نهاية الوصول إلى علم الأصول، ج ۱، ص ۳۱۴.

۱۰. توجيه النظر إلى أصول الأثر، ج ۱، ص ۱۲۳.

۱۱. الرعاية في علم الدراية، ص ۶۵؛ شرح تنقيح الفصول، ج ۲، ص ۲۰۸.

۱۲. الإحكام في أصول الأحكام، ج ۲، ص ۲۵.

۱۳. الرعاية في علم الدراية، ص ۶۵؛ المستصفى، ص ۱۰۷.

۱۴. ميزان الأصول في نتائج العقول، ج ۱، ص ۴۲۳.

۱۵. ميزان الأصول في نتائج العقول، ج ۱، ص ۴۲۳.

است.^۱ همین گونه نباید مسبوق به اعتقادات نقیضه باشد^۲ و باید به دور از التباس و شبهه و تقلید باشد.^۳ و مخبرین به خبرشان امر محال را نیفزایند. زیرا افزودن محالات عقلی به خبر برای جمع کرن بین ممکن و محال موجب می شود که خبر علم آور نباشد.^۴ برای نمونه اخبار متواتر زردشتی ها درباره معجزات زردشت و سخن او در دوگانه پرستی و قدمت نور و تاریکی از امور نامعقول و قبول نشدنی است. بدین گونه می توان گفت که (در صورت پذیرش پیامبری زردشت) معجزات او درست بوده اما این اقوال از برخی از پیروان او بنا بر افکار خویش به او نسب داده اند.^۵

شرط یا عدم شرط احراز اسلام و عدالت راوی

علاوه بر شروطی که پیش تر اشاره نمودیم، شروط دیگری وجود دارد که در میان دانشوران سنی اختلافی است. یکی از آن شروط، احراز اسلام و عدالت راوی است. بیشترین دانشوران سنی معتقدند که برای اثبات تواتر حدیث، احراز اسلام و عدالت راوی شرط نیست.^۶ در مقابل عده ای باورمندند که احراز عدالت و اسلام راوی جزو شروط حدیث متواتر به شمار می آید. بر همین اساس به بررسی ادله هر یک از دو گروه می پردازم.

ادله موافقین شرط احراز اسلام و عدالت راوی

دلایل موافقان واکاوی احوال راویان بیشتر در میان ناقدین آن ها انعکاس یافته است. بدین گونه که ناقدین یک به یک دلایل آنان را در کتاب خویش بازتاب داده و در پی پاسخ به آن برآمده اند. این دلایل را می توان در شش عنوان گونه شناسی نمود.

۱. اولویت مندی واکاوی راویان

بر پایه گزارش زرکشی، ابن عبدان در کتاب الشرائط در بیان شرایط ناقلین حدیث متواتر، دو شرط را از جمله شروط تواتر برمی شمارد. اول آنکه: راوی باید عادل باشد. دوم آنکه راوی باید مسلمان باشد و تواتر حاصل از سوی کفار، پذیرفتنی نیست. زیرا اخبار آحادی که علم آور نیستند شرط عدم نقل از سوی کافر و فاسق را دارند. پس چگونه امکان دارد متواتری که موجب علم است با اخبار کفار تحقق یابد. بنابراین در تواتر که علم آور است نسبت به آحاد که علم آور نیست، اولویت دارد که اخبار

۱. المستصفی، صص ۱۰۷.

۲. الرواشح السماویة، ص ۷۱.

۳. الرعاية في علم الدراية، ص ۶۴؛ التحصيل من المحصول، ج ۲، ص ۱۰۳.

۴. الرعاية في علم الدراية، ص ۶۴؛ تمهید الأوائل وتلخیص الدلائل، ص ۲۰۳.

۵. همان.

۶. البحر المحيط في أصول الفقه، ج ۶، ص ۹۹.

کفار و فساق در آن پذیرفته نشود.^۱

۲. حق انگاری غیرمسلمین

ابواسحاق شیرازی، آمدی و غزالی از دیدگاه مخالفین اینگونه گزارش داده‌اند که اگر علم‌آوری تواتر غیرمسلمانان را بپذیریم، باید خبر آنان در مورد به صلیب کشیده شدن حضرت عیسی علیه السلام را نیز بپذیریم. عدم علم‌آوری آنان در این مورد نشان از آن دارد که اخبار آن‌ها برای ما علم‌آور نیست.^۲ همین‌گونه باید خبر آنان در مورد تثلیث را بپذیریم.^۳

۳. همسان‌پنداری اجماع و تواتر

دانشورانی معتقدند همچنان که اجماع اختصاص به مسلمانان دارد لازم است که در تواتر نیز مسلمان بودن شرط باشد.^۴

۴. زمینه‌سازی کفر برای دروغ

کفر زمینه‌ساز دروغ و تحریف است اما عدالت و اسلام نگهدارنده صدق و تحقق در قول است (مانع آن دو).^۵ بنابراین اگر راوی حدیث غیرمسلمان باشد این احتمال وجود دارد که سخن او دروغ باشد.

۵. طولانی شدن طبقات تواتر

شماری از دانشیان در مورد واکاوی احوال راویان قائل به تفصیل زمانی شده‌اند. آن‌ها معتقدند اگر زمان در اولین طبقه تا سامعین طولانی شود. اسلام و عدالت شرط خواهد بود؛ زیرا امکان همدستی و مکاتبه با یکدیگر وجود دارد. اما اگر زمان به درازا نکشد این دو وصف ملاک نخواهد بود.^۶ أبوالوفاء این قول را به اصحاب شافعی نسبت داده است.^۷

۶. نیازمندی امور دینی

دیدگاه تفصیل معتقد است، مسائلی که از آن خبر داده شده اگر از امور دینی باشد، احراز اسلام و عدالت شرط است و اگر از امور غیر دینی مانند سرزمین، شهرها، کشورها و... باشد در این صورت

۱. البحر المحيط في أصول الفقه، ج ۶، ص ۹۹.

۲. التبصرة في أصول الفقه، ص ۲۹۷؛ الإحكام في أصول الأحكام، ج ۲، ص ۲۷.

۳. المستصفی، ص ۱۰۷.

۴. التبصرة في أصول الفقه، ص ۲۹۷.

۵. الإحكام في أصول الأحكام، ج ۲، ص ۲۷؛ الواضح في أصول الفقه، ج ۴، ص ۳۵۹.

۶. التمهيد في أصول الفقه، ج ۳، ص ۳۲؛ التبصرة في أصول الفقه، ص ۲۹۷.

۷. الواضح في أصول الفقه، ج ۴، ص ۳۵۸.

نیز اختلاف است. گروهی این شرط را بایسته انگاشته اما برخی دیگر لازم ندانسته‌اند.^۱

ادله مخالفین شرط احراز اسلام و عدالت راوی

بسیاری از دانشوران سنی از جمله زرکشی قول صحیح را عدم احراز صفات مخبرین یعنی عدم اشتراط اسلام و عدالت راوی دانسته‌اند. زرکشی اسامی افرادی را که با او همسو هستند را با دلایل آنان بازگو کرده. این افراد عبارتند از: أبو الحُسَین بن القَطَّان، قَفَّالُ الشَّاشِي، سُلَیْم، أَبُو مُصَوَّر، ابْنُ بُرْهَانَ، ابْنُ الصَّبَّاح.^۲ برخی دیگر از این نامداران که به نگارش کتاب با موضوع علوم حدیث نیز پرداخته‌اند، بر همین نکته تاکید کرده‌اند. برای نمونه: ابن حجر عسقلانی: «وَالْمُتَوَاتِرُ لَا يُبْحَثُ عَنْ رِجَالِهِ؛ بَلْ يَجِبُ الْعَمَلُ بِهِ مِنْ غَيْرِ بَحْثٍ»^۳، سخاوی: «فَإِنَّهُ لَا يُبْحَثُ عَنْ رِجَالِهِ»^۴، سیوطی: «يَجِبُ الْعَمَلُ بِهِ مِنْ غَيْرِ بَحْثٍ عَنْ رِجَالِهِ»^۵. فراتر از آن را ابن تیمیه مدعی شده است که قول صحیحی که جمهور دانشوران بدان اعتقاد دارند «وَالصَّحِيحُ الَّذِي عَلَيْهِ الْجُمُهُورُ» این است که با خبر کفار علم حاصل می‌شود.^۶ در این میان شماری دلایل گوناگونی را برای بی‌نیازی واکاوی راویان حدیث متواتر بازگو کرده‌اند. که در ضمن استدلال‌ها بدان‌ها رهنمون خواهیم نمود.

۱. علم‌آوری اخبار گروهی از افراد بدون همدستی بر کذب

آنچه بر تمامی گفتار مخالفان شرط واکاوی اوصاف راویان سایه انداخته، این است که تنها نقل افراد زیادی بدون همدستی بر دروغ، علم‌آور است. خواه دارای ادیان مختلف بوده یا کافر باشند. این کلام را دانشوارن سنی به گونه‌های مختلفی گوشزد نموده‌اند.^۷ به بیان دیگر پیشینه پژوهی تواتر نشان از آن دارد که اعتقاد مندی به تواتر تنها اختصاص به مسلمانان ندارد و آغاز پیدایی اصطلاح تواتر در تفکر بشر سابقه ای دیرین دارد. سمنیه از ادیان شرقی اخبار متواتری را که در امور موجود در زمان باشد را مفید علم می‌دانستند.^۸ کاربردهای دینی در سده دوم قمری نشان از آن دارد که مسیحیان برای مصلوب شدن حضرت مسیح و مجوسیان برای معجزات زردشت با استناد به تواتر در مقام الزام

۱. البحر المحيط في أصول الفقه، ج ۶، ص ۹۹.

۲. البحر المحيط في أصول الفقه، ج ۶، ص ۹۹.

۳. نزهة النظر في توضيح نخبة الفكر في مصطلح أهل الأثر، ص ۹۰.

۴. فتح المغیث بشرح الفیة الحدیث للعراقی، ج ۴، ص ۱۶.

۵. تدریب الراوی فی شرح تقریب النوای، ج ۲، ص ۶۲۷.

۶. مجموع الفتاوی، ج ۱۸، ص ۵۰.

۷. میزان الأصول في نتائج العقول، ج ۱، ص ۴۲۳؛ شرح مختصر الروضة، ج ۲، ص ۹۰.

۸. المحصول، ج ۴، ص ۲۲۸.



۲. همسانی علم‌آوری تواتر مسلمانان و غیر مسلمانان

مسلمانان بودند.^۱ از دیگر نشانه‌های اعتقادمندی بزرگان ادیان گوناگون به تواتر را می‌توان از مناظرات امام رضا علیه السلام با بزرگان آن‌ها دست یافت. امام رضا علیه السلام در مناظره با رأس جالوت یهودی برای الزام او در قبول نبوت حضرت عیسی علیه السلام از طریق بیان معجزات، به تواتر بودن اخبار معجزات موسی و عیسی علیه السلام اشاره نموده‌اند.^۲ همین‌طور در مناظره با هُرَیذ از عدم پذیرش نبوت حضرت موسی، عیسی و محمد صلی الله علیه و آله با وجود اخبار متواتر در معجزات آنان سؤال کردند.^۳

بنابراین تواتر برای نوع انسان‌ها علم‌آور است خواه صاحب دین باشند یا خیر. به دیگر سخن علم با خبر کافر، مسلمان و غیر مسلمان حاصل می‌شود. و در نتیجه بررسی واکاوی احوال راویان نیازی نیست.

اینکه کفر زمینه‌ساز دروغ و تحریف است چندان پذیرفتنی نیست زیرا همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردیم تواتر بحثی فردینی بوده و تنها به مسلمانان اختصاص ندارد. سایر ادیان بلکه غیر دیندارها نیز به تواتر توجه نشان داده و بدان عمل نموده‌اند. دانشوران سنی نیز در پاسخ‌هایشان به این نکته اشاره کرده‌اند که همسانی علم‌آوری تواتر در میان مسلمانان و غیر مسلمانان گویای آن است که وجود اسلام و عدالت در احراز تواتر شرط نیست. آمدی در رد این شبهه، معتقد است که اخبار افراد زیاد برای ما علم‌آور است. اگر چه کفار باشند. برای نمونه اگر اهل قسطنطنیه (استامبول که در روزگاری اهالی آن مسیحی بودند) به قتل پادشاهشان خبر دهند. این خبر برای ما علم‌آور است. زیرا کثرت ناقلین مانع از همدستی آنان بر دروغ است.^۴ اُسْمُنْدی نیز معتقد است که برای اثبات تواتر نیاز نیست که همه یا چندی از مخبرین مسلمان باشند زیرا خبر مخبرین ایجاد کننده علم است به خاطر اینکه انگیزه‌ای برای دروغ ندارند و از آنچه که خبر می‌دهند شکی ندارند مجموع این شروط ممکن است در کفار هم جمع شود. بدین جهت که کفار در سرزمین کفر هم همانند ما احوال بلدان‌ها را می‌شناسند فلذا وجهی برای شرط قرار دادن ایمان وجود ندارد^۵ غزالی معتقد است، زمانی که فسقه،

۱. أصول السرخسی، ج ۱، ص ۲۴۸.

۲. التوحید (صدوق)، ص ۴۲۹.

۳. همان، ص ۴۳۰.

۴. الإحکام فی أصول الأحکام، ج ۲، ص ۲۷.

۵. بذل النظر فی الأصول، ص ۳۹۰.

مرجئه، قدریه حتی اهل روم خبر از موت پادشان بدهند علم حاصل می‌شود.^۱ جوینی نیز بر همین موضوع تاکید دارد که از سرزمین کفار با وجود دوری مسافت از آنها، خبرهای متواتری در مورد وجود محلی در سرزمینشان مانند اینکه بگویند فلان مکان مصر است، به ما می‌رسد و این برای ما علم‌آور است همچنان که خبر مسلمانان نسبت به مکه و بغداد و امثال آنها علم‌آور و غیرقابل انکار است مگر برای آنان که منکر بدیهیات هستند.^۲

این نکته در مورد نادرستی اندیشه مانعیت اسلام بر دروغ، شایان یادآوری است که بسیاری از احادیث جعلی برجای مانده در تراث اسلامی از سوی مسلمانان با انگیزه‌های گوناگون جعل شده است. یکی از اساسی ترین علت های ساخت احادیث دروغین، انگیزه سیاسی ای بوده که از عصر خلفای سه گانه آغاز گردیده. آنان در صدد تقویت، مشروعیت بخشی حکومت خویش و به اطاعت درآوردن توده های مختلف مردم^۳ و تضعیف مخالفانشان^۴ بودند. همین طور حاکمان برای سرپوش گذاشتن بر اشتباهات و جنایاتشان بوسیله تقدس زدایی از ساحت مقدس پیامبران و نیز پیامبر اکرم ﷺ با کم کردن فاصله میان خود و انبیاء^۵ به ترویج آموزه هایی چون جبر گرایی^۶ پرداختند. انگیزه های فرقه ای^۷ در میان زنداقه^۸، خوارج^۹، غلات^{۱۰}، مرجئه^{۱۱} و صوفیه^{۱۲} یکی دیگر از علل جعل حدیث است. اما در این میان عده ای از گروه های دینی برای فضیلت سازی رهبران فقهی^{۱۳} یا ناحق جلوه دادن گروه مخالف^{۱۴} دست به جعل احادیث زدند. انگیزه های دینی یکی دیگر از علل

۱. المستصفی، ص ۱۱۱.
۲. التلخیص فی اصول الفقه، ج ۲، ص ۲۹۹.
۳. صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۷۶.
۴. الموضوعات، ج ۲، ص ۳۹.
۵. صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۷.
۶. همان، ج ۷، ص ۵.
۷. الموضوعات، ج ۱، ص ۳۸.
۸. همان.
۹. الفوائد، ج ۱۵.
۱۰. نزهة المجالس ومنتخب النفائس، ج ۲، ص ۱۵۴.
۱۱. المجروحین من المحدثین، ج ۲، ص ۳۱۱.
۱۲. نزهة المجالس ومنتخب النفائس، ج ۱، ص ۶۲.
۱۳. المجروحین من المحدثین، ج ۳، ص ۴۶.
۱۴. الموضوعات، ج ۱، ص ۴۳.

جعل احادیث است؛ برای نمونه نوح بن ابی مریم مروزی برای روی آوردن مردم به قرآن^۱ و نیز شخص دیگری برای جذب و نرم کردن دل مردم^۲ حدیث ساخته‌اند.

۳. تحصیل حاصل بودن واکاوی اوصاف راویان در تواتر

بررسی اوصاف راویان افاده ظن می‌کند این در حالی است که تواتر علم آور است. بنابراین حدیث متواتر نیازمند به کندوکاو اوصاف مخبرین ندارد. این سخن را می‌توان از کلام دانشوران سنی استنتاج کرد. ابن قدامه معتقد است که علم‌آوری متواتر، از این جهت است که با وجود کثرت ناقلین، تصور اجتماع آنان بر کذب محال است. و این ممکن است در میان کفار هم وجود داشته باشد. همچنان که در میان مسلمانان امکان‌پذیر است.^۳ طوفی در شرح کلام ابن قدامه این نکته را افزوده که مناط در تواتر، کثرت ناقلین آن است. و این کثرت باعث می‌شود که به صورت عادی همدستی آنان بر دروغ محال باشد. بنابراین اسلام و عدالت بلکه سایر اوصاف راویان در آن شرط نیست زیرا این اوصاف در شهادت دادن و اخبارآحاد که مفید ظن است شرط شده، نه در تواتر که مفید علم ضروری یا نظری است. از این رو پس از حصول تواتر، بی‌نیاز از واکاوی اوصاف مخبرین برای تقویت ظن و غلبه بر آن است.^۴ به بیان دیگر بررسی اوصاف راویان باعث تقویت ظن می‌شود این در حالی است که تواتر علم‌آوری دارد و بررسی اوصاف راویان به نوعی تحصیل حاصل است.

۴. نبودن شروط تواتر در ادعای تواتر تثلیث و قتل عیسی علیه السلام

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره کردیم آغاز پیدایی اصطلاح تواتر در تفکر بشر سابقه ای دیرین دارد. کاربردهای دینی تواتر در سده دوم قمری نشان از آن دارد که مسیحیان برای مصلوب شدن حضرت مسیح و مجوسیان برای معجزات زردشت با استناد به تواتر در مقام الزام مسلمانان بودند.^۵ این ادعاها از سوی غیرمسلمانان باعث شد تا در زمان شکل‌گیری چهارچوب نظری تواتر در میان مسلمانان، دستمایه افرادی شود که اسلام و عدالت راویان را شرط تواتر می‌دانستند. آنان معتقد بودند که پذیرش عدم شرطیت اسلام و عدالت باعث می‌شود که اخبار مسیحیان در مورد تثلیث و قتل حضرت عیسی علیه السلام و معجزات زردشت و غیره از سوی غیرمسلمانان پذیرفتنی شود. دانشوران سنی در پاسخ به این اشکال، استدلال‌های گوناگونی را ارائه کرده‌اند. ابوالحسن قطن در مورد قتل حضرت عیسی □

۱. همان، ج ۱، ص ۸.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۰.

۳. التبصرة في أصول الفقه، ص ۲۹۷.

۴. شرح مختصر الروضة، ج ۲، ص ۹۴.

۵. أصول السرخسي، ج ۱، ص ۲۸۴.

به نقل قول از شاشی پرداخته و پاسخ گفته که: ما خبر مسیحیان در مورد قتل حضرت عیسی علیه السلام را بدان جهت نمی‌پذیریم که در اصل متواتر نیست زیرا که آن‌ها آن را از یک نفر روایتگری نموده‌اند و بعد از آن خبر متواتر شده است.^۱ اما تعداد دیگری عقیده‌مندند که ما به دو دلیل این اخبار را نمی‌پذیریم. اول آنکه: عدد افرادی که خبر داده‌اند کم است. دوم آنکه: حصول علم دلیلی است بر حصول عدد و برای ما در مورد اخبار آن‌ها علمی حاصل نشده است؛ از طرفی به یقین می‌دانیم که عدد تواتر حاصل نشده، بر همین اساس دلیلی بر پذیرش آن نداریم. از طرفی بیشتر آن چیزی که آن‌ها نقل می‌کنند دروغین است.^۲ همین‌گونه ابواسحاق شیرازی و آمدی اشاره کرده‌اند که اخبار مسیحیان استواء اطراف و وسط ندارد.^۳ به بیان دیگر راویان آنان در تمامی طبقات یعنی در اول، وسط و آخر آن به حد تواتر نرسیده است.^۴ افزون بر آن غزالی باورمند است که شاهدان، شخصی را که شبیه عیسی علیه السلام بوده؛ کشته شده دیده‌اند ولیکن برای آن‌ها مشتبه شده است. البته اگر شماری بگویند که تصوّر تشبیه در محسوسات موجب شک در هر چیز دیگری می‌شود. در پاسخ باید گفت که تشبیه در محسوس تنها در زمان خرق عادت جایز بوده و در غیر آن زمان شک نمی‌شود.^۵ اما در مورد تثلیث این نکته حائز اهمیت است که اگر آن‌ها تثلیث را توقیفی و سماعی از حضرت عیسی علیه السلام به نص صریح نقل می‌کردند دیگر قابل تاویل نبود. همچنان که برخی در مورد آیات و روایات اینگونه عقده‌مندند. به عبارت دیگر، سخن آنان یکی از شروط تواتر یعنی محسوس بودن را ندارد.^۶

۵. ناهمسانی تواتر و اجماع

از دیگر ادله واکاوی احوال راویان حدیث متواتر، همسانی تواتر و اجماع و شکل‌گیری اجماع تنها از سوی مسلمانان است. اجماع از امور عرفی و عقلایی است که امکان دارد در هر زمان و مکانی در میان اهل هر فن و رشته‌ای بر سر مسئله‌ای از مسائل حاصل شود. اما اجماع اصطلاحی در میان اهل سنت، همان اجماع و اتفاق همه امت اسلامی است.^۷ اینکه چون اجماع تنها با وجود مسلمانان شکل گرفته، فلذا تواتر هم تنها از سوی مسلمان شکل می‌گیرد؛ محل تردید است. زیرا در این ادعای

۱. البحر المحيط في أصول الفقه، ج ۶، ص ۱۰۰.

۲. شرح مختصر الروضة، ج ۲، ص ۹۴.

۳. التبصرة في أصول الفقه، ص ۲۹۷.

۴. التمهيد في أصول الفقه، ج ۳، ص ۳۳.

۵. المستصفی، ص ۱۱۱.

۶. همان.

۷. اللمع في أصول الفقه، ص ۷۸.

بدون دلیل، ملازمه‌ای بین آن دو یافت نمی‌شود. در اجماع، عدالت و ایمان^۱ شرط است. زیرا که اجماع حجت در شرع بوده و شرع تنها اختصاص به مسلمانان دارد نه کفار. اما در مقابل می‌دانید که اخبار از طریق عادت، موجب ایجاد علم می‌شوند، و این طریق در بین مسلمانان و کفار یکسان است.^۲ به بیان دیگر خبری هم که در آن اتفاق بر کذب نباشد علم‌آور است و این موضوع در میان کفار نیز وجود دارد.^۳ افزون بر آن باید دانست که اجماع مختص علماء اسلام بوده و احتجاج بدان تنها در ادله سمعی صحیح است نه ادله عقلی.^۴

۶. تفصیل ناپذیری احراز تواتر

شماری از دانشیان در این مسأله به تفصیل‌پذیری احراز تواتر روی آورده و مدعی گشته‌اند که به دلیل طولانی شدن زمان برای بدست آوردن تواتر حدیث و اموری دینی بودن موضوع، نیازمند به واکاوی احوال راویان هستیم.

نیازمندی به واکاوی احوال راویان تنها در زمان طولانی شدن تواتر وجهی بی‌دلیل است. افزون بر آن کثرت ناقلین مانع از همدستی بر دروغ است چه زمان طولانی شود چه نشود.^۵ اما نیازمندی به موشکافی احوال راویان تنها در امور دینی،^۶ پذیرفتنی نیست زیرا تواتر زمانی علم‌آور است که ناقلین آن زیاد و همدستی آنان بر کذب محال باشد و اگر این شرط محقق شود تفاوتی بین مسلمان و کافر، دینی یا غیر دینی بودن ندارد.^۷

۷. بی‌نیاز به واکاوی اوصاف راویان با تکیه بر قاعده یقوی بعضها بعضا

حدیث پڑوهان سنی در موقعیت‌های گوناگونی برای پذیرش یک حدیث که دارای راویان ضعیف است به تعدد طرق حدیث اشاره نموده و در آخر آن حدیث را پذیرفته‌اند. آن‌ها از تعبیر «یقوی بعضها بعضا» بهره جسته‌اند. نمونه‌هایی از کاربرد این قاعده در میان دانشوران سنی از این قرار است:

بنابر دیدگاه ابن تیمیه «فَإِنَّ تَعَدُّدَ الطَّرِيقِ وَكَثْرَتَهَا يُقَوِّي بَعْضُهَا بَعْضًا حَتَّى قَدْ يَحْصُلُ الْعِلْمُ بِهَا وَلَوْ

۱. البحر المحيط في أصول الفقه، ج ۶، ص ۱۰۰.

۲. التبصرة في أصول الفقه، ص ۲۹۷.

۳. التمهيد في أصول الفقه، ج ۳، ص ۳۳.

۴. الإحكام في أصول الأحكام، ج ۲، ص ۲۸.

۵. المذهب في علم أصول الفقه المقارن، ج ۲، ص ۶۶۳.

۶. البحر المحيط في أصول الفقه، ج ۶، ص ۱۰۰.

۷. المذهب في علم أصول الفقه المقارن، ج ۲، ص ۶۶۳.

كَانَ النَّاقِلُونَ فُجَّارًا فُسَّاقًا»^۱ تعدد طرق و فراوانی آن یکدیگر را تقویت نموده تا جایی که با آن‌ها علم حاصل می‌شود. اگرچه ناقلان آن فاجر و فاسق باشند. ابن حجر عسقلانی نیز در مورد حدیثی که چندین طریق دارد و همه آن‌ها ضعیف هستند برای حکم دادن به قبول آن از این قاعده بهره جسته است. «وكلها ضعيفة، لكن قد يقوي بعضها ببعض»^۲ مناوی نیز از همین قاعده پیروی کرده: «ورواه مالك مرسلًا وله طرق يقوي بعضها بعضا»^۳ شروانی در مقابل ابن کثیر که حکم به بی اصل بودن حدیثی داده اینگونه حکم کرده است که «إنه ورد في عدة أحاديث يقوي بعضها بعضا»^۴ در احادیث مختلفی وارد شده است یعنی دارای چندین طریق است و هر کدام دیگری را تقویت می‌کند. شوکانی نیز بعد از نقل حدیثی و بیان علل ضعف طرق‌های آن، دست آخر حدیث را تنها بر پایه همین قاعده قابل احتجاج دانسته «وهذه الروايات يقوي بعضها بعضها فتنتهض للاحتجاج بها»^۵ همین‌گونه مبارکفوری گفته: «وهو حديث ضعيف لكنه مروي من طرق يقوي بعضها»^۶ همه آن‌ها ضعیف هستند اما آن‌ها یکدیگر را تقویت می‌کنند. سید سابق نیز در حکم به حدیثی به این قاعده تمسک جسته است. «والاحاديث وإن كانت ضعيفة إلا أنه يقوي بعضها بعضا»^۷ و از معاصرین البانی نیز با حاشیه بر کتاب سید سابق در مورد حدیث دیگری گفته: «وفي الباب آثار مرسلّة ومسندة يقوي بعضها بعضا»^۸ همین‌طور حکانی صنعانی در مورد حدیثی اشاره می‌کند که «وله طرق فيها مقال إلا أنه يقوي بعضها بعضا»^۹ اسنادی دارد که در مورد آن اشکال است ولی این طرق یکدیگر را تقویت می‌کنند.

از این تعبیر به دست می‌آید که چندین طریق ضعیف باعث تقویت حدیث می‌شود. بنابراین به طریق اولی اگر طرق‌های حدیث به اندازه‌ای زیاد باشد که همدستی ناقلین آن بر کذب محال باشد، دیگر جایی برای بررسی و واکاوی سندی حدیث متواتر باقی نمی‌ماند. به بیان دیگر همچنان که چندین طریق باعث ظنّ صدور می‌شود چگونه است که فراوانی طرق در طبقات مختلف علم‌آور

۱. مجموع الفتاوی، ج ۱۸، ص ۵۰.

۲. بلوغ المرام من أدلة الأحكام، ص ۲۸۹.

۳. فیض القدير شرح الجامع الصغير، ج ۶، ص ۴۳۲.

۴. تحفة المحتاج في شرح المنهاج، ج ۹، ص ۳۳۷.

۵. نیل الأوطار، ج ۱، ص ۶۴.

۶. تحفة الأحوذی بشرح جامع الترمذی، ج ۱، ص ۲۳۷.

۷. فقه السنة، ج ۲، ص ۵۷.

۸. تمام المنّة في التعليق على فقه السنة، ص ۳۸۷.

۹. سبل السلام، ج ۱، ص ۳۴۵.

نباشد با این شرط که آن‌ها همدستی بر کذب نداشته باشند. البانی به همین نکته به خوبی اشاره کرده: «ولا يشترط في الحديث المتواتر سلامة طرقه من الضعف، لأن ثبوته إنما هو بمجموعها، لا بالفرد منها، كما هو مشروح في المصطلح»^۱ در حدیث متواتر شرط نیست که طرق آن خالی از ضعف باشد به خاطر آنکه اثبات آن به مجموع آن است نه به فرد فرد و یکایک آن‌ها، همچنان که در مباحث مصطلح الحدیث آمده است.

نتیجه‌گیری

موشکافی اوصاف راویان دست‌کم از آغاز مباحث اسناد در میان دانشواران مورد توجه بوده است. با ورود تواتر از عرصه کلام به سایر دانش‌ها همچون اصول و علوم حدیث، در مورد واکاوی راویان حدیث متواتر گفتگوهایی در میان دانشواران صورت پذیرفت. شماری معتقد بودند که همسانی بین اخبار آحاد و متواتر، یکسانی اجماع و تواتر، زمینه‌ساز بودن دروغ و تحریف در غیر مسلمان و برای اثبات ناحق بودن غیرمسلمانان با تکیه بر تواتر می‌بایست اسلام و عدالت راویان حدیث متواتر اثبات شود. در مقابل اما عده‌ای معتقد بودند که اخبار گروهی از افراد بدون همدستی بر کذب، علم‌آور بوده و از طرفی علم‌آوری تواتر در میان مسلمانان و غیر مسلمانان همسان است. همین‌طور کندوکاو اوصاف راویان تحصیل حاصل است. چون که بررسی اوصاف راویان افاده ظن می‌کند. این در حالی است که علم حاصل از شکل‌گیری شروط تواتر، یقینی است. از سوی دیگر همان‌گونه که تعدد طرق حدیث موجب نادیده انگاشتن ضعف راویان می‌شود بی‌گمان کثرت راویان همراه با ناهمدستی بر کذب موجب نادیده انگاشتن واکاوی احوال راویان می‌شود. اما اینکه برخی برای شرط بودن واکاوی اوصاف راویان به ادعای تواتر قتل حضرت عیسی عليه السلام و همسانی تواتر و اجماع تمسک جسته‌اند. باید گفت که ادعای قتل حضرت عیسی عليه السلام از اساس متواتر نیست و میان تواتر و اجماع همسانی وجود ندارد.

۱. تمام المنة في التعليق على فقه السنة، ج ۶، ص ۹۵.

فهرست منابع

١. قرآن كريم.
٢. الواضح في أصول الفقه، علي بن عقييل بن محمد بن عقييل البغدادي. بيروت: مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤٢٠ق.
٣. الموضوعات لابن الجوزي، عبدالرحمن بن علي بن محمد ابن الجوزي. مدينه عربستان: المكتبة السلفية، ١٣٨٦.
٤. نهاية الوصول إلى علم الأصول، مظفر الدين أحمد بن علي ابن الساعاتي. مكه عربستان: جامعة أم القرى، ١٤٠٥ق.
٥. التذكرة في علوم الحديث، أبو حفص عمر بن علي بن أحمد ابن الملقن. عمان: دار عمان، ١٤٠٨ق.
٦. مجموع الفتاوى، أحمد بن عبدالحليم بن عبدالسلام بن عبدالله بن أبي القاسم الخضر النميري الحراني الدمشقي الحنبلي ابن تيمية. المدينة النبوية - عربستان: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، ١٤١٦ق.
٧. المنهل الروي في مختصر علوم الحديث النبوي، محمد بن إبراهيم بن سعد الله ابن جماعة. بيروت: دارالفكر، چاپ الطبعة الثانية، ١٤٠٦ق.
٨. المجروحين من المحدثين، حمد بن حبان بن أحمد بن حبان بن معاذ بن معبد التميمي ابن حبان. الرياض: دارالصميعي للنشر والتوزيع، ١٤٢٠ق.
٩. معجم مقاييس اللغة، احمد بن فارس ابن فارس. دار إحياء الكتب العربية | مكتب الإعلام الإسلامي. مركز النشر.
١٠. روضة الناظر وجنة المناظر في أصول الفقه على مذهب الإمام أحمد بن حنبل، عبدالله بن محمد ابن قدامة. مؤسسة الريان للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤٤٣ق.
١١. التوحيد (صدوق)، محمد بن علي ابن بابويه. قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي، ١٣٩٨ق.
١٢. الإحكام في أصول الأحكام، علي بن محمد الآمدي. بيروت - لبنان: المكتب الإسلامي، چاپ الطبعة الثانية، ١٤٠٢ق.
١٣. التحصيل من المحصول، السراج الأرموي. بيروت - لبنان: مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤٠٨ق. ٢ ج.

١٤. تهذيب اللغة، محمد بن أحمد بن الأزهری. بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربي، ٢٠٠١م.
١٥. بذل النظر في الأصول، العلاء محمد بن عبد الحميد الأسمندي. القاهرة - مصر: مكتبة التراث، ١٤١٢ق.
١٦. تمام المنة في التعليق على فقه السنة، محمد ناصر الدين الألباني. دارالراية: چاپ الطبعة الخامسة.
١٧. نهاية السؤل شرح منهاج الوصول، عبد الرحيم بن الحسن بن علي الإسنوي. بیروت - لبنان: دارالكتب العلمية، ١٤٢٠ق.
١٨. الردود والنقود شرح مختصر ابن الحاجب، محمد بن محمود بن أحمد البابر تي. مكتبة الرشد ناشرون، ١٤٢٦ق.
١٩. تمهيد الأوائل وتلخيص الدلائل، أبو بكر الباقلا ني. لبنان: مؤسسة الكتب الثقافية، ١٤٠٧ق.
٢٠. صحيح البخاري، محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة بن بردزبه البخاري الجعفي. مصر: السلطانية، بالمطبعة الكبرى الأميرية، ١٣١١.
٢١. توجيه النظر إلى أصول الأثر، طاهر بن صالح (أو محمد صالح) ابن أحمد بن موهب الجزائري. حلب - سورية: مكتبة المطبوعات الإسلامية، ١٤١٦ق.
٢٢. التلخيص في أصول الفقه، أبوالمعالی الجويني. بيروت: دارالبشائر الإسلامية، بی تا.
٢٣. الكفاية في علم الرواية، أبو بكر أحمد بن علي بن ثابت بن أحمد بن مهدي الخطيب البغدادي. حيدر آباد - هند: جمعية دائرة المعارف العثمانية، ١٣٥٧.
٢٤. المحصول، أبو عبدالله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التيمي الملقب بفخر الدين الرازي. مؤسسة الرسالة، چاپ الطبعة الثالثة، ١٤١٨ق.
٢٥. الوجيز في أصول الفقه الإسلامي، محمد مصطفى الزحيلي. دمشق - سورية: دارالخير للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤٢٧ق.
٢٦. البحر المحيط في أصول الفقه، بدر الدين الزركشي. دارالكتبي، ١٤١٤ق.
٢٧. فتح المغيـث بشرح الفية الحديث للعراقي، محمد بن عبد الرحمن بن محمد بن أبي بكر بن عثمان بن محمد السخاوي. القاهرة - مصر: مكتبة السنة، چاپ الطبعة الأولى، ١٤٢٤ق.

٢٨. أصول السرخسي، أبو بكر محمد بن أحمد بن أبي سهل السرخسي. حيدرآباد - هند: لجنة إحياء المعارف النعمانية، بى.تا.
٢٩. ميزان الأصول في نتائج العقول، علاء الدين شمس النظر أبو بكر محمد بن أحمد السمرقندي. قطر: مطابع الدوحة الحديثة، ١٤٠٤ق.
٣٠. قواطع الأدلة في الأصول، منصور بن محمد بن عبد الجبار بن أحمد المروزي السمعاني. بيروت - لبنان: دارالكتب العلمية، ١٤١٨ق.
٣١. تدريب الراوي في شرح تقريب النواوي، عبد الرحمن بن أبي بكر السيوطي. الرياض - عربستان: دار طيبة. ٢ ج.
٣٢. نيل الأوطار، محمد بن علي الشوكاني. مصر: دار الحديث، ١٤١٣ق.
٣٣. التبصرة في أصول الفقه، أبو إسحاق الشيرازي. دمشق - سورية: دار الفكر، ١٩٨٠م.
٣٤. اللمع في أصول الفقه، أبو إسحاق الشيرازي. دارالكتب العلمية، ١٤٢٤ق.
٣٥. الرعاية في علم الدراية، زين الدين بن علي شهيد ثاني، بقال، عبد الحسين محمد علي، و مرعشي، محمود. قم ايران: كتابخانه عمومى حضرت آيت الله العظمى مرعشى نجفى (ره). ١٤٠٨ق.
٣٦. نزهة المجالس ومنتخب النفائس، عبد الرحمن بن عبد السلام الصفوري. مصر: المطبعة الكاستلية، ١٢٨٣ق.
٣٧. سبل السلام، حمد بن إسماعيل بن صلاح بن محمد الحسني الصنعاني. دار الحديث.
٣٨. تيسير مصطلح الحديث، محمود بن أحمد بن محمود الطحان. مكتبة المعارف للنشر والتوزيع: چاپ الطبعة العاشرة، ١٤٢٥ق.
٣٩. شرح مختصر الروضة، ليتمان بن عبد القوي بن الكريم الطوفي الصرصري. مؤسسة الرسالة، ١٤٠٧ق.
٤٠. الخلاصة في معرفة الحديث، الحسين بن محمد بن عبد الله الطيبي. مصر: المكتبة الإسلامية للنشر والتوزيع، القاهرة چاپ الطبعة الأولى، ١٤٣٠ق.
٤١. نزهة النظر في توضيح نخبة الفكر في مصطلح أهل الأثر، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني. دمشق - سورية: مطبعة الصباح، چاپ الطبعة الثالثة، ١٤٢١ق.

٤٢. بلوغ المرام من أدلة الأحكام، ابن حجر العسقلاني. الرياض - عربستان: دارالفلق، ١٤٢٤ق.
٤٣. المستصفی، أبو حامد محمد بن محمد الغزالي. دارالكتب العلمية، ١٤١٣ق.
٤٤. الفوائد للفريابي، جعفر بن محمد بن الحسن بن المُستَقاض الفريابي. الدارالسلفية، بومباي.
٤٥. فصول البدائع في أصول الشرائع، محمد بن حمزة بن محمد الفناري. بيروت - لبنان: دارالكتب العلمية، ١٤٢٧ق.
٤٦. الذخيرة، أحمد بن إدريس بن عبدالرحمن القرافي. بيروت - لبنان: دارالغرب الإسلامي، ١٩٩٤م.
٤٧. شرح تنقيح الفصول، أحمد بن إدريس بن عبدالرحمن القرافي. شركة الطباعة الفنية المتحدة، ١٣٩٣ق.
٤٨. قواعد الأصول ومعاهد الفصول، صفی الدين عبدالمؤمن القطيعي. ركائز للنشر والتوزيع، ١٤٣٩ق.
٤٩. التمهيد في أصول الفقه، أبو الخطاب الكلّوذاني. مكة عربستان: جامعة أم القرى، ١٤٠٦ق.
٥٠. تحفة الأحوذی بشرح جامع الترمذی، أبو العلا محمد عبدالرحمن بن عبدالرحيم المبارکفوري. بيروت - لبنان: دارالكتب العلمية.
٥١. التحرير شرح التحرير في أصول الفقه، أبو الحسن علي بن سليمان المرداوي. الرياض - عربستان: مكتبة الرشد، ١٤٢١ق.
٥٢. اليواقيت والدرر في شرح نخبة ابن حجر، عبدالرؤوف المناوي. الرياض - عربستان: مكتبة الرشد، چاپ الطبعة الأولى، ١٩٩٩م.
٥٣. فيض القدير شرح الجامع الصغير، عبدالرؤوف المناوي. ج ٦. القاهرة - مصر: المكتبة التجارية الكبرى، چاپ الطبعة الأولى، ١٣٥٦.
٥٤. المذهب في علم أصول الفقه المقارن، عبدالكريم النملة. الرياض - عربستان: مكتبة الرشد، ١٤٢٠ق.
٥٥. المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف النووي. بيروت - لبنان: دار إحياء التراث العربي، چاپ الطبعة الثانية، ١٣٩٢.

۵۶. تحفة المحتاج في شرح المنهاج، ابن حجر الهيتمي. مصر: المكتبة التجارية الكبرى بمصر لصاحبها مصطفى محمد، ۱۳۵۷.
۵۷. قرة عين المحتاج في شرح مقدمة صحيح مسلم بن الحجاج، محمد بن علي بن آدم الإتيوبي الولوي. دار ابن الجوزي، ۱۴۲۴ق.
۵۸. الكافل بنيل السؤل في علم الأصول، محمد بن يحيى بهران الزيدي. دار عالم الفوائد.
۵۹. الصحاح، اسماعيل بن حماد جوهري. دارالعلم للملایین.
۶۰. شمس العلوم ودواء كلام العرب من الكلوم، نشوان بن سعيد حميري. مطهر بن علی اريانی و ديگران. دارالفكر المعاصر.
۶۱. مفردات ألفاظ القرآن، حسين بن محمد راغب اصفهانی. دارالشامية ا دارالقلم.
۶۲. فقه السنة، سيد سابق. چاپ الطبعة الثالثة، بيروت - لبنان: دارالكتاب العربي، ۱۳۹۷.
۶۳. مزيل الغواشي شرح اردو اصول الشاشي، نجم الغني خان صاحب رام پوري. كراچی - هند: مير محمد كتب خانه آرام باغ.
۶۴. صحيح مسلم، أبوالحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري. تركيا: دارالطبعة العامة، ۱۳۳۴.
۶۵. الرواشح السماوية، محمد باقر بن محمد ميرداماد، نعمت الله جليلی، و غلامحسين قيصری. قم - ايران: مؤسسه علمی فرهنگي دارالحدیث. سازمان چاپ و نشر. ۱۳۸۰-۱۴۲۲.